

کتاب انسان شناخت

# از ماست که بر ماست

نقدی بر رفتارهای اجتماعی ما ایرانیان

رضا بهرام پور

www.ketab.ir





از ماست که بر ماست؛ نقدی بر رفتارهای اجتماعی ما «ایرانیان»

نویسنده: رضا بهرام‌پور

مدیر تولید: فاطمه شهبازی

چاپ یکم: بهار ۱۳۹۷

شماره نشر: ۲۴۱

ویراستار: فاطمه غلامی

صفحه‌آرا: سپیده امری

لیتوگرافی: البرز نوین، چاپ: عطا، صحافی: ساغر مهر

ناظر فنی چاپ: سعید صادقی

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۹۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۸۳-۹۲-۷

۱۱	.....	مقدمه
۱۷	.....	قهرمان‌سازی یا قهرمان‌سازی؟
۲۶	.....	چند کاره بودن یا عشق چار فیسک؟
۳۵	.....	این گروه نالان!
۴۴	.....	برادران نابرابر
۵۳	.....	برد و باخت
۶۱	.....	توهم توطئه یا دشمن فرضی؟
۷۰	.....	خودکشی!
۸۰	.....	عشق دو قطبی
۸۹	.....	زرنگی
۹۸	.....	نقدناپذیری
۱۰۷	.....	همیشه شوخی!...
۱۱۵	.....	مُرده پرستی!...
۱۲۳	.....	همرنگِ جماعت شو!
۱۳۱	.....	بُت!...
۱۴۰	.....	عشق محاکمه!
۱۴۹	.....	همه‌فن حریفی!
۱۵۸	.....	مؤخره

یکم) هدف نگارنده بی‌قदार از نگارش و تحریر این اثر مسلماً نه اظهار فضل است و نه ابراز وجود، نه ایستادن در مقابل افکار عمومی و نه خدای‌ناکرده، اهانت به ساحت مقدس و محترم ایران و ایرانی؛ بلکه تنها و تنها ایفای نقش آیینگی است که گفته‌اند: «المؤمن آخ الومن» و چه عزت و افتخاری والاتر و بالاتر از مرآت هم‌میهنان و «ایرانیان شدن».

مسلماً نگارنده نیز مانند خیل عظیمی از ناهرسازان سوءاستفاده‌گر می‌توانست به راحتی آب خوردن، چشم بر حقایق موجود بیند و با به‌کاربردن عبارات و اصطلاحات پرطمطراق و آن‌چنانی، ملت ایران را بری از هرگونه خطا، اشتباه، کمبود، کاستی و ایراد بداند و تمامی کارشوزها را بر سر حاکمیت‌ها و قدرت‌های موجود، استعمار و استثمار قدرت‌ها، بی‌بازمانه در طول تاریخ، هجوم اقوام و قبایل وحشی و نیمه‌وحشی در طی اعداء مختلف، استکبار جهانی و نیز موارد مختلفی از این دست بشکند و با گرفتن ژستی روشنفکرآبانه و خودعالم‌انگار، جایگاه ایران و ایرانی را در مرکز عالم هستی قلمداد کند. متنها این حس حقیقت‌جویی و ویژگی واقعیت‌جویی نگارنده است که همواره قلم و زبانش را از انجام این چنین اعمالی منع کرده و [احتمالاً] خواهد کرد.

دوم) عده‌ای از ما «ایرانیان» همواره عادت داریم بلافاصله پس از مواجهه

و رویارویی با مشکلات، معضلات، کمبودها، ضعف‌ها و کاستی‌های مبتلابه خویش و جامعه‌مان، به‌سرعت انگشت اتهام خود را به جانب حاکمیت موجود [در طول زمان‌های مختلف] بگیریم و حتی سهمی هرچند اندک و ناچیز برای عملکرد، پندار، کردار و گفتارمان قائل نباشیم.

در اینکه حاکمیت‌ها و قدرت‌های موجود سهم و تأثیر فراوانی در بهبود یا احیاناً وخامت اوضاع و شرایط جامعه داشته و دارند، هیچ شک و تردیدی وجود ندارد؛ اما نکته اصلی اینجاست که اولاً همین افراد و اشخاصی که بر جاگاه‌های مختلف و متنوع حکومتی تکیه زده و به‌عنوان مقام و مسئول، سهم و کار کرده‌اند، اداره مسائل ریز و کلان مملکتی دارند، خود از بطن همین جامعه «هور»، رشد و ترقی کرده و مجال تأثیرگذاری و حکومت‌داری یافته‌اند. دوم اینکه اصولاً مآکدات و ملت در یک جامعه [علی‌الخصوص در دنیای کنونی] همواره بر بنیادهای دیگر تأثیر می‌گذارند و رابطه‌شان دوطرفه و دوسویه است؛ پس بررسی و شناخت یکی از این دو مفهوم [حاکمیت-ملت] می‌تواند کلید شناخت دیگری تلقی شود.

آنچه در این اثر بدان پرداخته شده، سهم خود ما «ایرانیان» به‌عنوان یک تمدن، یک جامعه و یک ملت در به‌وجود آمدن معضلات و مصائب متعددی است که به آن‌ها دچاریم.

سوم) احتمال دارد عده‌ای پس از مطالعه کامل اثر حاضر [یا احیاناً اقلیتی بدون مطالعه و به صورت کاملاً خودجوش] کلمات، عبارات، اصطلاحات به‌کاررفته در سطور مختلف و جای‌جای این اثر را تئین و اهانتی از سوی نگارنده گستاخ به تاریخ، تمدن، فرهنگ و جامعه ایران تشخیص داده و رأی به تکفیر، تحریم و طرد وی دهند؛ اما بر خواننده و مخاطب منصف کاملاً روشن است که توهین واقعی سکوت و خاموشی در مقابل بدی‌ها و زشتی‌هاست و نه بازگویی آن‌ها. اهانت واقعی خوب و زیبا جلوه‌دادن بدی‌هاست و نه واگویی آن‌ها به‌منظور عبرت‌گیری و پندپذیری. در ضمن نگارنده خود یک ایرانی است و همواره و در همه حال به این امر و موضوع بالیده و مایه فخر و مباهاتش نیز بوده است.

چهارم) آنچه در خلال فصول مختلف این اثر بررسی و تشریح شده، تنها توصیفی است از وضعیت و شرایط حاکم بر روح و روان جامعه. نقدی است بر برخی از رفتارها و خلیقات ما «ایرانیان». ارزیابی کلی و نسبتاً روشنی است از ضعف‌ها و کمبودهایمان. نگارنده نه تنها ادعای ریشه‌یابی و تحلیل علمی و دقیق این خلیقات را ندارد، بلکه با توجه به نداشتن تخصص، دانش و تجربه کافی، از ورود به این حیطة [ریشه‌یابی، علت‌یابی، کالبدشکافی، آسیب‌شناسی، دلیل‌تاریکی، امثالهم] به شدت ابا داشته است. هدف تنها توصیف آن چیزی است که می‌توان دید و فهمید.

پنجم) شاید عدالت پس از مطالعه کامل اثر حاضر [یا بخش‌هایی گزیده از آن] از نگارنده به دلیل ارائه‌ندادن راهکار، بیان علاج و راه درمان موارد طرح‌شده در طی فصول مختلف انتقاد کنند و حتی به این دلیل بر وی معترض شوند. در پاسخ به این عرض عرض شود که نگارنده اصلاً و ایداً به دنبال چنین کاری [ارائه راهکار و بسته پیشنهادی] نبوده؛ علاوه‌براین به دلیل دخالت در حیطة کاری کارشناسان مسئول نظران مربوطه، اجازه چنین امری را نداشته و ندارد.

آنچه پیش از علاج یک بیماری برای شخص بیمار اهمیت دارد، تشخیص «وجود» خود بیماری است؛ نه نوع آن و روش درمانش. ما می‌دانیم که تشخیص از وجود بیماری در وجودش بی‌اطلاع و ناآگاه باشد، چگونه می‌توان مراجعه به پزشک و دریافت نسخه‌ای شفابخش برای بهبود بیماری را بر او انتظار داشت؟! نگارنده خود به‌مثابه یک بیمار است که زودتر [یا شاید بی‌پزشک] از تپه مبتلایان به بیماری مشابه و مذکور در جامعه، به این امر واقف شده و درصدد درمانش به دست اهل فن برآمده است.

ششم) ظاهراً هر موقع که خارجیان تقدمان کرده‌اند [حال به هر طریق و روش] ما «ایرانیان» با جان و دل این نقدها و اعتراضات [گاه تلخ و گزنده و حتی زننده] را پذیرفته و برای سایر هم‌میهنانمان نیز نقل کرده‌ایم. اما از بد روزگار تا نویسنده‌ای ایرانی دست بر قلم برده و از خصایص اخلاقی و خلیقاتمان نالیده و زاریده، او را در نهایت تندی از خویش رانده و تکفیر و

تحریم کرده‌ایم. شاید خود این خصیصه اخلاقی نیز تنها مختص ما «ایرانیان» باشد و باید زمانی افرادی اهل فن با دیدی منصفانه و بی‌طرفانه، به تحلیل، تبیین و تشریح این مقوله و موارد فراوانی از این دست پردازند.

**هفتم)** احتمالاً عده‌ای از خوانندگان ارجمند و مخاطبان آگاه پس از مطالعه این اثر، بر نگارنده خرده گیرند که مشابه این ویژگی‌ها و خصایص اخلاقی که طی فصول مختلف بدان‌ها پرداخته شده، ممکن است در میان هر ملت و جامعه‌ای و در هر عصر و زمانی پیدا شود و در واقع این‌ها مشترکاتی هستند مابین این‌های بشر در هر تاریخ و جغرافیا، فارغ از ملیت و نژادشان و نه مختص به ایران و ایرانیان. در پاسخ به این سوءبرداشت باید عرض کرد که قطعاً نمونه‌ها، از این ویژگی‌ها و خلقیات را می‌توان در میان هر ملت و جامعه‌ای، چه پیشرفته و چه عقب مانده، چه شرق و چه غرب، چه متمدن با پیشینه‌ای غنی و چه نوبنیاد و نوین به‌وفور یافت؛ منتها اکثر این ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی در اکثر ما «ایرانیان» از در باز وجود داشته و همچنان نیز به همان صورت دست‌نخورده و بر سر روم و برانمان باقی مانده است و تا موقعی که خویشتن خویش در صدد اصلاح و بهبود شرایطمان برنیاییم، شاهد کوچک‌ترین تغییر مثبتی در جامعه‌مان نخواهیم بود.

**هشتم)** در همه فصل‌ها و به‌منظور سبب رفاه بهتر و راحت‌تر مخاطب از مطالب و مفاهیم مورد بحث و نیز پرهیز از اصناف و پرگویی نگارنده، مثال‌ها و نمونه‌هایی چند آورده شده است. این نمونه‌ها از بطن جامعه و از میان کسان و آدمیان عامی و عادی انتخاب شده‌اند و در واقع همان چهره‌های آشنا و مورد وثوقمان در حیات روزمره و در انظار عمومی هستند که در قالب شخصیت‌هایی داستانی و غیرواقعی در خلال فصول مختلف و موارد و مباحث طرح شده ظاهر شده‌اند. [هرگونه شباهت و نقطه اشتراکی مابین شخصیت‌های مورد اشاره با اشخاص واقعی و شناخته‌شده، کاملاً اتفاقی و از روی تصادف است.]

**نهم)** مخاطبان گرامی و آگاه می‌توانند جهت مطالعه بیشتر و بهتر در این زمینه؛ یعنی نقش خود ما «ایرانیان» در پدیدارشدن معضلات و مشکلات



مبتلا به خود و جامعه‌مان، به منابع و کتب ارزشمند زیر مراجعه کنند:

۱. ما چگونه ما شدیم؟ (صادق زیباکلام)
  ۲. جامعه‌شناسی نخبه‌کشی (علی رضاقلی)
  ۳. چرا عقب مانده‌ایم؟ (علی محمد ایزدی)
  ۴. خلیقات ما ایرانیان (محمدعلی جمال‌زاده)
  ۵. جامعه‌شناسی خودمانی (حسن نراقی)
- «سیرا اکلام ما قل و دل»

شاد باشید

رضا بهرام‌پور

بهار ۱۳۹۷